

نگه ها

خشم خودتان را بشناسید

خشم خاطره آزردهگی است. خشمگین شدن دلیلی است بر ابراز نمودن آزردهگی خاطر در زمان وقوع خود شما مسئول ابراز احساساتان هستید ، ولی توضیح خشم کار مشکلی است. بیرون ریختن خشم بدون آزار دادن دیگران امری غیرممکن به نظر می رسد . بهترین راه برای ابراز خشم، بازنمودن درجه های قلب است. برای خاموش نمودن خشم ابتدا باید آزردهگی را شناخت . مشکل می توانید آزردهگی خود را نشان دهید اگر ظاهر خودتان را مقاوم جلوه دهید .

اگر بخواهید برای محافظت از خودتان احساسات را مخفی سازید ، واقعتی وجودتان به تردید می افتد و ارتباطتان با خود واقعی قطع می شود . حتی اگر دردتان را ندیده بگیرید باز هم در رفتارتان آزردهگی و خشم دیده می شود . شما نسبت به آزردهگی حساس می شوید و رفتارتان با دیگران نامواری می شود . محافظت دیگران با کنترل خشم خود باعث می شودکه آنهاز شما فرار کنند.

بعد از مدتی به احساس بد داشتن عادت می کنید و هنگامی که دیگران مشکل شما را بپرسند قادر به اعتراف نمودن نخواهید بود و آزردهگی خاطر کوچک تبدیل به مشکلی بزرگ و کهنه خواهد شد . آتهایی که باعث آزردهگی خاطر شما شده و بعد مانع می شوند که خشمتان را ابراز کنید بزرگترین لطمه روحی را به شما می زند . هر کس می تواند خشمتان را درون بطری وجودتان مخفی سازد قادر به کنترل شما خواهد گشت. باید خودتان را از خشم رها سازید تا بتوانید دوست داشته باشید . هنگامی که عشق دست دوستی با خشم می دهد،عشق معنی واقعی خود را گم می کند . اما هنگامی که خشم با عشق آمیخته می شود همچنان خشم معنی می دهد . خشم خود را در زمان و مکان مناسب ابراز کنید تا همیشه بتوانید دوست داشته باشید . تا زمانی که آزردهگی روی لبهایتان ظاهر شود عشق همچنان شما را تعقیب می کند.

آوای دریا

انتقاد از ساعات کار بانکیها

با توجه به گرمای هوای بندرعباس و شروع ساعت کاری ۹ صبح تا ۲ بعدازظهر مشکلات زیادی برای شهروندان بوجود آمده است. ساعت ۹ صبح با ازدحام زیاد جلوی باجه ها مواجه هستیم و از طرفی گرمای هوا هم موجب شده تا تعداد آریاب رجوعان افزایش یابد .به کلی برنامه شهروندان بهم ریخته است، برای کوچکترین کار بانکی باید ۲ ساعت معطل بمانیم .بهرتاست مدیران بانکها در ساعت کاری تجدید نظر نمایند و آسایش و آرامش مردم را در نظربگیرند.

نظارت بر اجناس در ماه مبارک

سفاهه گویی نظارتی بر فروش اجناس در بندرعباس نیست . چرا که دراین ماه مبارک شاهد هستیم که قیمتها افزایش یافته و هر فروشگاه نرخ اختصاصی خودش را دارد . لطفاً سازمان بازرسی نظارت کند .
جمانی

استقبال گرم از کلاس اولی ها

بنده به عنوان ولی دانش آموز از آموزش و پرورش بابت استقبال گرم از کلاس اولی ها تشکر می نمایم. این کار تاثیر زیادی در روحیه دانش آموزان دارد . امید وارم که این کار هر ساله برای تمامی دانش آموزان تداوم یابد .
ولی دانش آموز



دست‌های خسته



در مجموع همه مراسم فوق، در شب قبل از شروع ماه انجام می‌شد که به آن «شب نیت» می‌گفتند؛ شبی که مردم نیت می‌کردند تا یک ماه را در طاعات و بندگی خدا سپری نمایند. عمده آیین‌های «شب نیت»، اکنون با ورود لوازم و تکنولوژی جدید به فراموشی سپرده شده است. آیین‌هایی مثل جمع شدن در خانه «عالم بلند» یا مسجد و سخنرانی وی، اهدای قرآن و مشخص کردن پیش نماز و مکبر برای محلات و «فیض» گیری از مالداران برای خرج در ماه رمضان افراد بی‌بضاعت و ….

ج آیین‌های سحر و وقت شناسی

درست همانند اعلام خیر شروع ماه، امروز ما برای پیدا کردن وقت سحر و افطار هیچ مشکلی نداریم. هم ساعت سحر و افطار مشخص است و هم وسایل متعددی که آن ساعت را به ما خبر دهد. اما در گذشته چنین نبوده و هر یک از این موضوعات، رسوم و آیین‌های ویژه خود را داشته است. رسومی که گاه در مواردی، تن به خرافه نیز می‌زده است، اما در مجموع رسوم پابرجا و پراهمیتی بوده است.

پیدارشدن سحر در گذشته و تشخیص وقت آن کار دشواری بوده است. در زمان فقدان رادیو و ساعت و زمان‌سنج و … تنها و تنها امکان این موضوع فراهم بود که از روی ستارگان و موقعیت آنها زمان سحر تشخیص داده شود و پایان وقت سحر نیز مشخص گردد.

آیین‌های سحر(وقت شناسی، ستاره بینی، قسم رختخواب، دم دم سحری، چراغ گزاران، بوق حمام، آب و تریاک)

موقع سحر، در بسیاری نواحی ایران از روی موقعیت ستارگانی مثل پروین و دب اصغر و اکبر تشخیص داده می‌شد و این ستارگان که با نام‌های مختلفی مشهور بودند، در واقع، مشخص‌کننده اوقات شرعی بودند . در نواحی مرکزی ایرا، ستاره گز پروین (

اجتهای

سنت‌های فراموشی‌شده رمضان

✓ **گاه نیز مراسم «ویژه‌خوانی» برگزار می‌شد** که عبارت بود از خواندن سوره‌های خاص قرآن مثل **بینه**، **یوسف**، **باسین**، **الرحمن** و … که عموماً در مساجد برگزار می‌شد

و هر کس برای این مراسم می‌آمد

پروین) ، نیم‌گزگ و گز ترازو و در همین ناحیه و برخی نواحی دیگر، ستارگان «هفت برادران» (دب اصغر) و نیز ستاره «ظل سحر » مشخص‌کننده این ساعات بود. در مجموع، عمده اتفاق بر ستارگان هفت برادران بود و گفته می‌شد هرگاه سه ستاره از هفت ستاره، راست مقابل قبله قرار گرفتند، شروع سحر و هرگاه همه هفت ستاره در چنین موقعیتی قرار گرفتند، پایان سحر است و باید از خوردن و آشامیدن دست کشید.

در روستاها و برخی نواحی صدای خروس موقعیت نیز، ستارگان اعلام می‌کرد. معروف بود که خروس در شب سه بانگ می‌زند: یکی نیمه‌شب، یکی ساعتی پس از نیمه‌شب و یکی سحر و این سومی بود که شروع سحر را اعلام می‌کرد. جالب آن که گاه موارد خرافی هم با این مصادیق همراه می‌شد، مثلاً خروس سفید چهل تاج بانگ سحرش قطعی بود و لازم الاتباع و به نوعی

مردم نیت می‌کردند تا یک ماه را در طاعات و بندگی خدا سپری نمایند. عمده آیین‌های «شب نیت»، اکنون با ورود لوازم و تکنولوژی جدید به فراموشی سپرده شده است. آیین‌هایی مثل جمع شدن در خانه «عالم بلند» یا مسجد و سخنرانی وی، اهدای قرآن و مشخص کردن پیش نماز و مکبر برای محلات و «فیض» گیری از مالداران برای خرج در ماه رمضان افراد بی‌بضاعت و ….

<div><div> </div></div>	در بخش‌هایی از ایران نیز «قسم رختخواب» رایج بود که افراد موقع خواب، رختخواب را قسم می‌دادند که آنها را سر وقت بیدار کند و بر این اساس، هر ساعتی که در موقع سحر از خواب بر می‌خاستند، همان ساعت، خواب بر می‌خاستند، همان ساعت، سحر پنداشته می‌شد	<div><div> </div></div>
---	--	---

مرجع بود.

در بخش‌هایی از ایران نیز «قسم رختخواب» رایج بود که افراد موقع خواب، رختخواب را قسم می‌دادند که آنها را سر وقت بیدار کند و براین اساس، هر ساعتی که در موقع سحر از خواب بر می‌خاستند، همان ساعت، سحر پنداشته می‌شد.البته رسومی مثل دو رسم اخیر بیشتر در نواحی روستایی رایج بوده است. ناگفته نگذاریم که شناخت وقت سحر و موقعیت ستارگان، کار همه افراد نبود، بسیاری از مردم در آن دوره‌ها، حتی نام ستارگان را نیز نمی‌دانستند و بنابراین افرادی به عنوان «سحرخوان» متصدی رختخواب، دم دم سحری، چراغ گزاران، بوق حمام، آب و تریاک) موقع سحر، در بسیاری نواحی ایران از روی موقعیت ستارگانی مثل پروین و دب اصغر و اکبر تشخیص داده می‌شد و این ستارگان که با نام‌های مختلفی مشهور بودند، در واقع، مشخص‌کننده اوقات شرعی بودند . در نواحی مرکزی ایرا، ستاره گز پروین (این تخصص نیز، البته بعدها با ورود وسایلی مثل

<div><div> </div></div>	چهارشنبه ۱۲مهر ماه ۱۳۸۵	<div><div> </div></div>
 	برابر با ۱۰ رمضان	
 	طالع پینی	
 	فروردین ماه:	
 	ار دیهشت ماه:	
 	خرداد ماه:	
 	تیر ماه:	
 	مردادماه:	
 	شهریور ماه:	
 	مهر ماه:	
 	آبان ماه:	
 	آذر ماه:	
 	دی ماه:	
 	بهمن ماه:	
 	اسفند ماه:	

روزهای دیگر سال، خلوت‌تر و کم جنب‌وجوش‌تر بود. اولاً به طور عام کارهای سخت و سنگین در روزهای ماه رمضان تعطیل می‌شد و ثانیاً کارهای مثل قنادی و شیرینی‌پزی و … نیز با آنکه جزو حرف سخت‌شمرده نمی‌شد، به دلیل رعایت حال روزه‌دارانی شیوه‌های متفاوتی برای اعلام سحر به عموم مردم رایج بود. از درکوبیدن و نقاره نوازی در شهرهای مذهبی مثل مشهد و قم، تا طبل‌کوبی، شیپورزنی، سرنا نوازی، نمام زنی در جنوب‌با نام دم دم سحری) و جازرذن، همه شیوه‌های رایج اعلام وقت شروع و پایان سحر بودند.

رسوم مهم دیگری نیز در این زمینه وجود داشت: توپ در کردن در موقع سحر از جمله این رسوم بود که در بسیاری مناطق رواج داشت، به این نحو که موقع شروع سحر و پایان آن را با شلیک توپ اعلام می‌کردند. در برخی نواحی نیز تیراندازی در سحر، اعلام‌کننده وقت بود. اما مهم‌ترین شیوه و شاید رایج‌ترین آن‌ها، سنت قدیمی و فراگیر «چراغ گزاران» بود که در بسیاری نواحی ایران بخصوص نواحی مرکزی رواج داشت. در این شیوه، بعد از شناخت وقت سحر توسط «سحرخوانان»، تعداد زیادی چراغ بر سر مناره‌ها و گلدسته‌های مساجد گذاشته می‌شد و بعد از پایان وقت سحر هم برداشته می‌شد. مردم نیز برای تشخیص موقع سحر و شروع و پایان آن، به چراغ‌های روشن نگاه می‌کردند. در برخی موارد نیز، این چراغ‌ها خیلی معرف بود و مرجع می‌شد؛ مثل «چراغ ملاکظم» که در گلدسته‌های مسجد جامع یزد گذاشته می‌شد. البته در کنار این همه سنت‌ها، سنت بیدار کردن همسایه‌ها نیز رایج بود که هر همسایه‌ای که سحر بیدار می‌شد، سایر همسایگان را نیز با کوبیدن در منزل یا دیوار منزل آنها بیدار می‌کرد.

«بوق حمام» یکی نیزی دیگر از شیوه‌های اعلام شروع و پایان سحر بود. در قدیم، آغاز و پایان کار حمام‌ها، بوسیله بوقی اعلام می‌شد که «تون‌تاب» حمام آن را می‌نوخت. در ماه رمضان، این بوق‌ها برای اعلام وقت سحر و افطار نیز به کار می‌رفت. از نکات جالب و قابل ذکر دیگر در مورد سحر رمضان، عقیده خاصی در قدیم بود مبنی بر این که تا چند لحظه بعد از پایان وقت سحر، می‌توان آب خورد، چون لطیف‌تر از غذاست و تا کمی بعد از آب، می‌توان ندخانیات نیز استعمال کرد؛ چون دود از آب‌هم لطیف‌تر است. به این سنت، سنت «آب و تریاک» و «آب و قلیان» می‌گفتند و کسانی که به نحوی به نوعی از دخانیات معتاد بودند، تا پاس کوتاهی بعد از اعلام وقت پایان سحر، می‌توانستند دودی بگیرند. شعرهای زیادی نیز در مورد این عقیده رواج داشت. مثل: «آب است و تریاک مومن دهن پاک مومن دهن پاک نان رفت و خشخاش

یا: وقت قلیان است و آب شعیبان پوتراب سوی مسجد کن شتاب تا تو را باشد ثواب نکته جالب دیگر این‌که سحرخوانان، طبلان و چراغ گزاران و کلاً سایر خبردهندگان سحر به صورت عمومی، مواجی نیز دریافت می‌کردند که از همه مردم جمع آوری و به آنها پرداخت می‌شد. هر چه بود و به هر رسمی که مردم برای سحر برمی‌خاستند، بعد از صرف سحری، به مساجد می‌رفتند و نماز افطار، به اندت به صورت فرادا برگزار می‌شد. بعد از نماز نیز ادعیه ویژه سحر و … و سحر به صبح می‌پیوست. **د. روزهای رمضان و آیین‌های افطار**

روزهای رمضان در گذشته نیز مانند امروز، نسبت به مرکز ایران مثل کاشان ادامه داشت. روزهای دیگر سال، خلوت‌تر و کم جنب‌وجوش‌تر بود. اولاً به طور عام کارهای سخت و سنگین در روزهای ماه رمضان تعطیل می‌شد و ثانیاً کارهای مثل قنادی و شیرینی‌پزی و … نیز با آنکه جزو حرف سخت‌شمرده نمی‌شد، به دلیل رعایت حال روزه‌دارانی شیوه‌های متفاوتی برای اعلام سحر به عموم مردم رایج بود. از درکوبیدن و نقاره نوازی در شهرهای مذهبی مثل مشهد و قم، تا طبل‌کوبی، شیپورزنی، سرنا نوازی، نمام زنی در جنوب‌با نام دم دم سحری) و جازرذن، همه شیوه‌های رایج اعلام وقت شروع و پایان سحر بودند. رسوم مهم دیگری نیز در این زمینه وجود داشت: توپ در کردن در موقع سحر از جمله این رسوم بود که در بسیاری مناطق رواج داشت، به این نحو که موقع شروع سحر و پایان آن را با شلیک توپ اعلام می‌کردند. در برخی نواحی نیز تیراندازی در سحر، اعلام‌کننده وقت بود. اما مهم‌ترین شیوه و شاید رایج‌ترین آن‌ها، سنت قدیمی و فراگیر «چراغ گزاران» بود که در بسیاری نواحی ایران بخصوص نواحی مرکزی رواج داشت. در این شیوه، بعد از شناخت وقت سحر توسط «سحرخوانان»، تعداد زیادی چراغ بر سر مناره‌ها و گلدسته‌های مساجد گذاشته می‌شد و بعد از پایان وقت سحر هم برداشته می‌شد. مردم نیز برای تشخیص موقع سحر و شروع و پایان آن، به چراغ‌های روشن نگاه می‌کردند. در برخی موارد نیز، این چراغ‌ها خیلی معرف بود و مرجع می‌شد؛ مثل «چراغ ملاکظم» که در گلدسته‌های مسجد جامع یزد گذاشته می‌شد. البته در کنار این همه سنت‌ها، سنت بیدار کردن همسایه‌ها نیز رایج بود که هر همسایه‌ای که سحر بیدار می‌شد، سایر همسایگان را نیز با کوبیدن در منزل یا دیوار منزل آنها بیدار می‌کرد.

«بوق حمام» یکی نیزی دیگر از شیوه‌های اعلام شروع و پایان سحر بود. در قدیم، آغاز و پایان کار حمام‌ها، بوسیله بوقی اعلام می‌شد که «تون‌تاب» حمام آن را می‌نوخت. در ماه رمضان، این بوق‌ها برای اعلام وقت سحر و افطار نیز به کار می‌رفت. از نکات جالب و قابل ذکر دیگر در مورد سحر رمضان، عقیده خاصی در قدیم بود مبنی بر این که تا چند لحظه بعد از پایان وقت سحر، می‌توان آب خورد، چون لطیف‌تر از غذاست و تا کمی بعد از آب، می‌توان ندخانیات نیز استعمال کرد؛ چون دود از آب‌هم لطیف‌تر است. به این سنت، سنت «آب و تریاک» و «آب و قلیان» می‌گفتند و کسانی که به نحوی به نوعی از دخانیات معتاد بودند، تا پاس کوتاهی بعد از اعلام وقت پایان سحر، می‌توانستند دودی بگیرند. شعرهای زیادی نیز در مورد این عقیده رواج داشت. مثل: «آب است و تریاک مومن دهن پاک مومن دهن پاک نان رفت و خشخاش

<div><div> </div></div>	قابل توجه موسسات و کارگاهها و شرکت های خصوصی و تعاونی	<div><div> </div></div>
 	موسسه کاریابی و مشاوره شغلی گامبرون	

تحت نظارت سازمان کار و آموزش فنی و حرفه ای استان هرمزگان آمادگی خود را جهت ارائه خدمات ذیل اعلام می‌دارد:

۱- معرفی نیروی کار ساده و متخصص متناسب با نیاز شرکت های خصوصی تعاونیها

۲- ارائه خدمات مشاوره ای در زمینه مشاغل

طرحهای اقتصادی تولیدی وشناخت بازار کار

۳- فراهم نمودن ساز و کار استفاده از تسهیلات

طرحهای اشتغال زاو زودبازده اقتصادی

۴- ثبت نام از متقاضیان کار و کسب فرصت های

شغلی

۵- ارائه خدمات مشاوره ایی در جهت استفاده از

معافیت ۲۰٪حق بیمه سهم کارفرما (طبق ماده ۱۰۳

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و

فرهنگی)

آدرس : بندر عباس - خیابان امام خمینی ، میدان

۱۷ شهریور (شهربانی سابق) ساختمان

گرجیج ، طبقه اول واحد ۲ تلفن: ۲۲۴۸۱۰۴

Email:Gambron@gmail.com

موسسه کاریابی و مشاوره شغلی گامبرون

<div><div> </div></div>	چهارشنبه ۱۲مهر ماه ۱۳۸۵	<div><div> </div></div>
 	برابر با ۱۰ رمضان	
 	طالع پینی	
 	فروردین ماه:	
 	ار دیهشت ماه:	
 	خرداد ماه:	
 	تیر ماه:	
 	مردادماه:	
 	شهریور ماه:	
 	مهر ماه:	
 	آبان ماه:	
 	آذر ماه:	
 	دی ماه:	
 	بهمن ماه:	
 	اسفند ماه:	

روزهای دیگر سال، خلوت‌تر و کم جنب‌وجوش‌تر بود. اولاً به طور عام کارهای سخت و سنگین در روزهای ماه رمضان تعطیل می‌شد و ثانیاً کارهای مثل قنادی و شیرینی‌پزی و … نیز با آنکه جزو حرف سخت‌شمرده نمی‌شد، به دلیل رعایت حال روزه‌دارانی شیوه‌های متفاوتی برای اعلام سحر به عموم مردم رایج بود. از درکوبیدن و نقاره نوازی در شهرهای مذهبی مثل مشهد و قم، تا طبل‌کوبی، شیپورزنی، سرنا نوازی، نمام زنی در جنوب‌با نام دم دم سحری) و جازرذن، همه شیوه‌های رایج اعلام وقت شروع و پایان سحر بودند.

رسوم مهم دیگری نیز در این زمینه وجود داشت: توپ در کردن در موقع سحر از جمله این رسوم بود که در بسیاری مناطق رواج داشت، به این نحو که موقع شروع سحر و پایان آن را با شلیک توپ اعلام می‌کردند. در برخی نواحی نیز تیراندازی در سحر، اعلام‌کننده وقت بود. اما مهم‌ترین شیوه و شاید رایج‌ترین آن‌ها، سنت قدیمی و فراگیر «چراغ گزاران» بود که در بسیاری نواحی ایران بخصوص نواحی مرکزی رواج داشت. در این شیوه، بعد از شناخت وقت سحر توسط «سحرخوانان»، تعداد زیادی چراغ بر سر مناره‌ها و گلدسته‌های مساجد گذاشته می‌شد و بعد از پایان وقت سحر هم برداشته می‌شد. مردم نیز برای تشخیص موقع سحر و شروع و پایان آن، به چراغ‌های روشن نگاه می‌کردند. در برخی موارد نیز، این چراغ‌ها خیلی معرف بود و مرجع می‌شد؛ مثل «چراغ ملاکظم» که در گلدسته‌های مسجد جامع یزد گذاشته می‌شد. البته در کنار این همه سنت‌ها، سنت بیدار کردن همسایه‌ها نیز رایج بود که هر همسایه‌ای که سحر بیدار می‌شد، سایر همسایگان را نیز با کوبیدن در منزل یا دیوار منزل آنها بیدار می‌کرد.

«بوق حمام» یکی از این مراسم بود که مجلس مرانده آن در مسجد یا تکیه و حسینیه و زانه آن عموماً در منازل برگزار می‌شد. آموزش قرآن و ادعیه‌خوانی نیز تقریباً در همین ماه سال به صورت جدی بی‌گیری می‌شد. بسیاری افراد نیز، آموزش قرآن و نماز به فرزندانشان را به همین ماه موکول می‌کردند و به آن اهتمام می‌ورزیدند. گاه در مجالس قرآن‌خوانی و ختم قرآن تا ۳۰ نفر قاری دعوت می‌شدند و تمام قرآن را قرائت می‌کردند؛ گاه نیز تعداد کمتر بود و باید البته حق الزحمه قاریان را علاوه بر افطار به آنها پرداخت.

گاه نیز مراسم «ویژه‌خوانی»، برگزار می‌شد که در مسجد یا تکیه و حسینیه و زانه آن عموماً در منازل برگزار می‌شد. آموزش قرآن و ادعیه‌خوانی نیز تقریباً در همین ماه سال به صورت جدی بی‌گیری می‌شد. بسیاری افراد نیز، آموزش قرآن و نماز به فرزندانشان را به همین ماه موکول می‌کردند و به آن اهتمام می‌ورزیدند. گاه در مجالس قرآن‌خوانی و ختم قرآن تا ۳۰ نفر قاری دعوت می‌شدند و تمام قرآن را قرائت می‌کردند؛ گاه نیز تعداد کمتر بود و باید البته حق الزحمه قاریان را علاوه بر افطار به آنها پرداخت.

روزهای دیگر سال، خلوت‌تر و کم جنب‌وجوش‌تر بود. اولاً به طور عام کارهای سخت و سنگین در روزهای ماه رمضان تعطیل می‌شد و ثانیاً کارهای مثل قنادی و شیرینی‌پزی و … نیز با آنکه جزو حرف سخت‌شمرده نمی‌شد، به دلیل رعایت حال روزه‌دارانی شیوه‌های متفاوتی برای اعلام سحر به عموم مردم رایج بود. از درکوبیدن و نقاره نوازی در شهرهای مذهبی مثل مشهد و قم، تا طبل‌کوبی، شیپورزنی، سرنا نوازی، نمام زنی در جنوب‌با نام دم دم سحری) و جازرذن، همه شیوه‌های رایج اعلام وقت شروع و پایان سحر بودند.

رسوم مهم دیگری نیز در این زمینه وجود داشت: توپ در کردن در موقع سحر از جمله این رسوم بود که در بسیاری مناطق رواج داشت، به این نحو که موقع شروع سحر و پایان آن را با شلیک توپ اعلام می‌کردند. در برخی نواحی نیز تیراندازی در سحر، اعلام‌کننده وقت بود. اما مهم‌ترین شیوه و شاید رایج‌ترین آن‌ها، سنت قدیمی و فراگیر «چراغ گزاران» بود که در بسیاری نواحی ایران بخصوص نواحی مرکزی رواج داشت. در این شیوه، بعد از شناخت وقت سحر توسط «سحرخوانان»، تعداد زیادی چراغ بر سر مناره‌ها و گلدسته‌های مساجد گذاشته می‌شد و بعد از پایان وقت سحر هم برداشته می‌شد. مردم نیز برای تشخیص موقع سحر و شروع و پایان آن، به چراغ‌های روشن نگاه می‌کردند. در برخی موارد نیز، این چراغ‌ها خیلی معرف بود و مرجع می‌شد؛ مثل «چراغ ملاکظم» که در گلدسته‌های مسجد جامع یزد گذاشته می‌شد. البته در کنار این همه سنت‌ها، سنت بیدار کردن همسایه‌ها نیز رایج بود که هر همسایه‌ای که سحر بیدار می‌شد، سایر همسایگان را نیز با کوبیدن در منزل یا دیوار منزل آنها بیدار می‌کرد.

روزهای دیگر سال، خلوت‌تر و کم جنب‌وجوش‌تر بود. اولاً به طور عام کارهای سخت و سنگین در روزهای ماه رمضان تعطیل می‌شد و ثانیاً کارهای مثل قنادی و شیرینی‌پزی و … نیز با آنکه جزو حرف سخت‌شمرده نمی‌شد، به دلیل رعایت حال روزه‌دارانی شیوه‌های متفاوتی برای اعلام سحر به عموم مردم رایج بود. از درکوبیدن و نقاره نوازی در شهرهای مذهبی مثل مشهد و قم، تا طبل‌کوبی، شیپورزنی، سرنا نوازی، نمام زنی در جنوب‌با نام دم دم سحری) و جازرذن، همه شیوه‌های رایج اعلام وقت شروع و پایان سحر بودند. رسوم مهم دیگری نیز در این زمینه وجود داشت: توپ در کردن در موقع سحر از جمله این رسوم بود که در بسیاری مناطق رواج داشت، به این نحو که موقع شروع سحر و پایان آن را با شلیک توپ اعلام می‌کردند. در برخی نواحی نیز تیراندازی در سحر، اعلام‌کننده وقت بود. اما مهم‌ترین شیوه و شاید رایج‌ترین آن‌ها، سنت قدیمی و فراگیر «چراغ گزاران» بود که در بسیاری نواحی ایران بخصوص نواحی مرکزی رواج داشت. در این شیوه، بعد از شناخت وقت سحر توسط «سحرخوانان»، تعداد زیادی چراغ بر سر مناره‌ها و گلدسته‌های مساجد گذاشته می‌شد و بعد از پایان وقت سحر هم برداشته می‌شد. مردم نیز برای تشخیص موقع سحر و شروع و پایان آن، به چراغ‌های روشن نگاه می‌کردند. در برخی موارد نیز، این چراغ‌ها خیلی معرف بود و مرجع می‌شد؛ مثل «چراغ ملاکظم» که در گلدسته‌های مسجد جامع یزد گذاشته می‌شد. البته در کنار این همه سنت‌ها، سنت بیدار کردن همسایه‌ها نیز رایج بود که هر همسایه‌ای که سحر بیدار می‌شد، سایر همسایگان را نیز با کوبیدن در منزل یا دیوار منزل آنها بیدار می‌کرد.

روزهای دیگر سال، خلوت‌تر و کم جنب‌وجوش‌تر بود. اولاً به طور عام کارهای سخت و سنگین در روزهای ماه رمضان تعطیل می‌شد و ثانیاً کارهای مثل قنادی و شیرینی‌پزی و … نیز با آنکه جزو حرف سخت‌شمرده نمی‌شد، به دلیل رعایت حال روزه‌دارانی شیوه‌های متفاوتی برای اعلام سحر به عموم مردم رایج بود. از درکوبیدن و نقاره نوازی در شهرهای مذهبی مثل مشهد و قم، تا طبل‌کوبی، شیپورزنی، سرنا نوازی، نمام زنی در جنوب‌با نام دم دم سحری) و جازرذن، همه شیوه‌های رایج اعلام وقت شروع و پایان سحر بودند.

روزهای دیگر سال، خلوت‌تر و کم جنب‌وجوش‌تر بود. اولاً به طور عام کارهای سخت و سنگین در روزهای ماه رمضان تعطیل می‌شد و ثانیاً کارهای مثل قنادی و شیرینی‌پزی و … نیز با آنکه جزو حرف سخت‌شمرده نمی‌شد، به دلیل رعایت حال روزه‌دارانی شیوه‌های متفاوتی برای اعلام سحر به عموم مردم رایج بود. از درکوبیدن و نقاره نوازی در شهرهای مذهبی مثل مشهد و قم، تا طبل‌کوبی، شیپورزنی، سرنا نوازی، نمام زنی در جنوب‌با نام دم دم سحری) و جازرذن، همه شیوه‌های رایج اعلام وقت شروع و پایان سحر بودند.

<div><div> </div></div>	قابل توجه موسسات و کارگاهها و شرکت های خصوصی و تعاونی	<div><div> </div></div>
 	موسسه کاریابی و مشاوره شغلی گامبرون	

تحت نظارت سازمان کار و آموزش فنی و حرفه ای استان هرمزگان آمادگی خود را جهت ارائه خدمات ذیل اعلام می‌دارد:

۱- معرفی نیروی کار ساده و متخصص متناسب با نیاز شرکت های خصوصی تعاونیها

۲- ارائه خدمات مشاوره ای در زمینه مشاغل

طرحهای اقتصادی تولیدی وشناخت بازار کار

۳- فراهم نمودن ساز و کار استفاده از تسهیلات

طرحهای اشتغال زاو زودبازده اقتصادی

۴- ثبت نام از متقاضیان کار و کسب فرصت های

شغلی

۵- ارائه خدمات مشاوره ایی در جهت استفاده از

معافیت ۲۰٪حق بیمه سهم کارفرما (طبق ماده ۱۰۳

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و

فرهنگی)

آدرس : بندر عباس - خیابان امام خمینی ، میدان

۱۷ شهریور (شهربانی سابق) ساختمان

گرجیج ، طبقه اول واحد ۲ تلفن: ۲۲۴۸۱۰۴

Email:Gambron@gmail.com

موسسه کاریابی و مشاوره شغلی گامبرون

روزهای دیگر سال، خلوت‌تر و کم جنب‌وجوش‌تر بود. اولاً به طور عام کارهای سخت و سنگین در روزهای ماه رمضان تعطیل می‌شد و ثانیاً کارهای مثل قنادی و شیرینی‌پزی و … نیز با آنکه جزو حرف سخت‌شمرده نمی‌شد، به دلیل رعایت حال روزه‌دارانی شیوه‌های متفاوتی برای اعلام سحر به عموم مردم رایج بود. از درکوبیدن و نقاره نوازی در شهرهای مذهبی مثل مشهد و قم، تا طبل‌کوبی، شیپورزنی، سرنا نوازی، نمام زنی در جنوب‌با نام دم دم سحری) و جازرذن، همه شیوه‌های رایج اعلام وقت شروع و پایان سحر بودند.

روزهای دیگر سال، خلوت‌تر و کم جنب‌وجوش‌تر بود. اولاً به طور عام کارهای سخت و سنگین در روزهای ماه رمضان تعطیل می‌شد و ثانیاً کارهای مثل قنادی و شیرینی‌پزی و … نیز با آنکه جزو حرف سخت‌شمرده نمی‌شد، به دلیل رعایت حال روزه‌دارانی شیوه‌های متفاوتی برای اعلام سحر به عموم مردم رایج بود. از درکوبیدن و نقاره نوازی در شهرهای مذهبی مثل مشهد و قم، تا طبل‌کوبی، شیپورزنی، سرنا نوازی، نمام زنی در جنوب‌با نام دم دم سحری) و جازرذن، همه شیوه‌های رایج اعلام وقت شروع و پایان سحر بودند.

روزهای دیگر سال، خلوت‌تر و کم جنب‌وجوش‌تر بود. اولاً به طور عام کارهای سخت و سنگین در روزهای ماه رمضان تعطیل می‌شد و ثانیاً کارهای مثل قنادی و شیرینی‌پزی و … نیز با آنکه جزو حرف سخت‌شمرده نمی‌شد، به دلیل رعایت حال روزه‌دارانی شیوه‌های متفاوتی برای اعلام سحر به عموم مردم رایج بود. از درکوبیدن و نقاره نوازی در شهرهای مذهبی مثل مشهد و قم، تا طبل‌کوبی، شیپورزنی، سرنا نوازی، نمام زنی در جنوب‌با نام دم دم سحری) و جازرذن، همه شیوه‌های رایج اعلام وقت شروع و پایان سحر بودند.

روزهای دیگر سال، خلوت‌تر و کم جنب‌وجوش‌تر بود. اولاً به طور عام کارهای سخت و سنگین در روزهای ماه رمضان تعطیل می‌شد و ثانیاً کارهای مثل قنادی و شیرینی‌پزی و … نیز با آنکه جزو حرف سخت‌شمرده نمی‌شد، به دلیل رعایت حال روزه‌دارانی شیوه‌های متفاوتی برای اعلام سحر به عموم مردم رایج بود. از درکوبیدن و نقاره نوازی در شهرهای مذهبی مثل مشهد و قم، تا طبل‌کوبی، شیپورزنی، سرنا نوازی، نمام زنی در جنوب‌با نام دم دم سحری) و جازرذن، همه شیوه‌های رایج اعلام وقت شروع و پایان سحر بودند.